



الگوی منطقه‌ای بازنمایی میراث فرهنگی دفاع مقدس؛ ساختار فضایی «محور- موزه منطقه‌ای» با جریان جمعیتی راهیان نور در محور اهواز-اروند

رضا خیرالدین

دانشیار شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: reza_kheyroddin@iust.ac.ir

سیده فاطمه حجت‌زاده

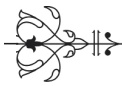
دانش آموخته کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۰۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸

چکیده

امروزه ایجاد موزه‌های جنگ در اکثر کشورهایی که درگیر جنگ بوده‌اند، امری رایج است. این جوامع با نمایش میراث باقیمانده از جنگ، سعی در حفظ و انتقال این آثار به نسل‌های بعدی را دارند. بزرگداشت جان‌باختگان و قربانیان جنگ، ستایش صلح و عبرت از آثار سوء جنگ از اهداف اصلی این موزه‌هاست. طراحی موزه‌های جنگ با توجه به نوع نگرش به جنگ، هویت، و فرهنگ هر جامعه متفاوت است. از این رو یکی از اهداف این پژوهش نگاهی نو به بازبانی مفهوم و الگوی موزه جنگ و آثار آن در ایران با توجه به نحوه نگاه به دفاع مقدس در جنگ عراق علیه ایران است. پژوهش‌های مختلف قبلی نشان می‌دهد که تأثیر آموزه‌های دینی در جامعه نه تنها در شکل‌گیری هویت افراد حاضر در جنگ مؤثر بوده، بلکه در کنش و نگرش بازدیدکنندگان نیز تأثیرگذار بوده است. در این راستا کوشش شده تا در پرتو ظرفیت‌های بالقوه میراث فرهنگی جامعه از یک سو و حضور نوع جدیدی از بازدیدکنندگان مناطق جنگی (کاروان‌های راهیان نور) از سوی دیگر، مفهوم بدیع «محور- موزه منطقه‌ای» برای شناخت و بازنمایی آثار و میراث دوران دفاع مقدس از طریق مسیرهای حرکت در برخی محورهای مهم منطقه جنگی جنوب کشور تعریف شود. یکی از این محورها در خوزستان مسیر اهواز تا اروند است که حاوی برخی گره‌گاه‌ها و نقاط کانونی مهم و مسیرهای پرتماق و پرماجرا در سال‌های دفاع مقدس بوده است. شناخت و بازنمایی اتفاقات و میراث این مناطق به قدری پرمرواز است که جمع‌آوری و بازنمایی آن‌ها در مراکز موزه‌های مرسوم جنگ ممکن نمی‌شود، لذا برای بازنمایی این آثار و اتفاقات، طی مسیر و بازدید محورها الزامی می‌شود و الگوی مناسب این بازنمایی از ضرورت‌ها و اهداف مهم مقاله حاضر است. در تعریف جدید «محور- موزه» سعی می‌شود از برخی مفاهیم ادبیات اصیل به صورت استعاری برای بازنمایی مفاهیم آثار و میراث دفاع مقدس همچون تعالی و رشد، روح ایثار و رسیدن به قرب الهی استفاده شود که تلاشی دشوار و بحث‌برانگیز است. برای تبلور ایده محور- موزه، بخشی از مسیر منطقه اهواز به اروند انتخاب شده است. سپس با منزل‌گذاری (سکانس‌بندی) مسیر مربوطه با توجه به ویژگی‌های فضایی کالبدی و نیز توجه به رخدادهای جنگی مرتبط با قطعات و گره‌های مختلف واقع در مسیر، ارزش‌های فضایی مسیر برای بازدیدکنندگان و گروه‌های راهیان نور بازنمایی شده است. مراحل بازنمایی آثار و وقایع دوران جنگ و دفاع مقدس در مسیر مورد مطالعه با گریز مختصری به استعاره‌های هفت اقلیم عشق عطار در سکانس‌های مختلف بیان شده‌اند تا ادراک فضایی محور- موزه اهواز تا اروند در مقیاس منطقه‌ای را تقویت کنند. سکانس‌بندی مسیر راهیان نور محور اهواز-اروند موضوع تکوین محور- موزه‌های دفاع مقدس را از مرحله ایده به مرحله پدیده نزدیک می‌سازد که بدیع‌تر از اشکال مرسوم و قالب‌بندی شده موزه‌های جنگ در دنیا و موزه‌های دفاع مقدس در ایران است. روش پژوهش مبتنی بر بازشناسی و توصیف و تحلیل فضایی سکانس‌های مختلف مسیر براساس ویژگی‌ها و مختصات هریک در کل منطقه است. توسعه و تکمیل این الگوی منطقه‌ای در مقیاس‌های عملیاتی‌تر مانند برنامه‌ریزی و طراحی شهری و مقیاس معماری از مراحل بسط این الگو می‌تواند باشد.

واژگان کلیدی: موزه و گردشگری جنگ، میراث فرهنگی دفاع مقدس، راهیان نور، محور- موزه منطقه‌ای.



دوسوبه میان موزه در وجه عینی و برداشت از اثر در وجه ذهنی است. برداشت از اثر امری اختیاری است و کاملاً مستقل نیست؛ بلکه به بسترهای فرهنگی جامعه وابسته است. وقتی موزه را یک نهاد اجتماعی در نظر بگیریم، این نهاد باید به تناسب نیازها، شرایط، توانایی و قابلیت‌های جامعه زمینه‌ای خود، به فعالیت پردازد و حتی همراه با تحولات جامعه متحول شود. این‌گونه است که موزه به آینه‌ای از خود جامعه تبدیل می‌شود (دبیری‌نژاد ۱۳۹۴، ۸۸). براساس اصول اعتقادی اسلام و آمیختگی آن با فرهنگ ایرانی، آنچه باعث جاذبه میادین دفاع مقدس در دوران جنگ می‌شود، معنویت، تعالی، روح ایثار، و مسائلی فراتر از احساسات صرف وطن‌پرستانه است؛ هرچند حس وطن‌دوستی بالاترین انگیزه بازدید از این مناطق در سایر کشورهاست. برداشتها و تجربه زیسته کوتاه پژوهشگران نشان می‌دهد که جریان جمعیتی راهیان نور نمی‌تواند یک تلقی سطحی از گردشگری و توریسم به مفهوم عام آن باشد. رفتن و حضور در مناطق راهیان نور یک حرکت فرهنگی و مبتنی بر باورهای اعتقادی اسلامی بوده و به دنبال استمرار و انتقال مجموعه‌ای از ارزش‌های فرهنگی اجتماعی و انسانی است. پس یک مفهوم پیشین از آن استنباط می‌شود. همین موضوع سبب شکل‌گیری نگرش‌های تازه به بستر جریان جمعیتی راهیان نور و تلقی موزه‌های متناسب آن می‌شود که در این پژوهش «محور- موزه» خوانده می‌شود. این پژوهش درصدد آن است که چگونه می‌توان ایده «محور- موزه» را به‌عنوان بستر و ظرفیت فضایی برای بازنمایی میراث دفاع مقدس برای جریان جمعیتی راهیان نور بیان کرد.

۲. بیان مسئله: الگوی مناسب بازنمایی منطقه‌ای آثار دفاع مقدس

پس از پایان جنگ جهانی دوم، موزه‌ها رشد قابل ملاحظه‌ای داشته و بیش از ۹۰ درصد موزه‌ها پس از تأسیس یونسکو و شورای جهانی موزه‌ها ایجاد شده‌اند. امروزه، وظیفه موزه‌ها تنها حفظ میراث‌های باارزش گذشته نیست، بلکه محافظت از میراث مادی و معنوی برای استفاده بیشترین جمعیت و انتقال ارزش‌های فرهنگی به نسل‌های بعدی است (ارسلان‌پور ۱۳۸۵). هر جامعه در فرایند توجه به هویت و ارزش‌های اجتماعی امروزه، موزه‌ها (یادخانه‌هایی) ایجاد می‌کند و با ثبت

۱. مقدمه

موزه‌های جنگ در دنیا یکی از پایدارترین میراث عبرت‌انگیز و گاه تلخ هستند؛ ولی در برداشتی دیگر، نشانگر دفاع مقدس و مقاومت دلیرانه هر کشور در برابر متجاوزان و مهاجمان ستیزه‌جویند. نسل‌های حال و آینده در برداشتهای خود از وقایع تلخ جنگ جز در نوشتارها و کتاب‌ها شاید نتوانند برداشتهای ذهنی خود را تکمیل سازند و به پرسش‌های متوالی و متنوع خود اکتفا کنند؛ اما یادگارهای تلخ به‌جا مانده از قرن‌ها و یا سال‌های نه چندان دور، در کنج موزه‌ها مفاهیم انتزاعی جنگ را در تصورات آن‌ها باز و روشن‌تر می‌کند.

حدود چهار دهه از جنگ عراق علیه ایران می‌گذرد و در این سال‌ها اقدامات گوناگونی در ارتباط با ایجاد موزه‌های گوناگون و گسترش بازدیدکنندگان این حوزه برای حفظ و گسترش آثار دفاع مقدس انجام شده است. یکی از این آثار حضور کاروان‌های راهیان نور است که هر ساله جریان جمعیتی زیادی در بازه‌های زمانی مختلف برای بازدید از مناطق جنگی به مناطق عملیاتی سفر می‌کنند. یکی از این مناطق منطقه خوزستان در جنوب است. این منطقه به‌تنهایی نقشی پراهمیت در خلق حماسه‌های دفاع مقدس داشته و از طرفی فرهنگ دفاع مقدس نیز به گونه‌ای خاص به خوزستان وابسته است. ورود جریان جمعیتی راهیان نور به منطقه خوزستان (محور اهواز- اروند) تأثیرات عمده‌ای را در این منطقه داشته است. طبق آمار رسمی ستاد مرکزی راهیان نور در بهار ۱۳۹۵ حدود ۵ میلیون نفر از این مناطق دیدن کردند (آمارنامه ستاد مرکزی راهیان نور ۱۳۹۵) که در جای خود رکورد بی‌سابقه‌ای در گردشگری و بازدید منطقه‌ای است. الگوی جریان جمعیتی راهیان نور فقط به بازدید از نقطه‌های خاص مانند یادمان‌ها یا موزه‌های دفاع مقدس محدود نمی‌شود؛ بلکه حرکت روی محورها و مسیرهای خاص از منطقه به‌صورت سواره و پیاده از ویژگی‌های این جریان زیارتی و گردشگری است. لذا جریان جمعیتی راهیان نور می‌تواند در نسبت با مراکز موزه‌ای مورد بازدید بحث شود.

یکی از مفاهیم اساسی در طراحی موزه‌ها بحث دریافت اثر توسط مخاطب است. لذا موضوع شکل‌گیری موزه در کالبدی خاص یا تجسم آن در بنای تاریخی، دریافت اثر را تا حدی دچار تغییر می‌کند؛ زیرا در تعامل



برآورده‌کننده نیاز کاروان‌های راهیان نور نخواهد بود که به قصد کسب معنویت و تعالی روح به این سفر می‌آیند. با خارج شدن از الگوها و شکل‌های قالب‌بندی شده برای موزه و ایجاد طرحی جدید با توجه به انگاره‌های آموزه‌های دینی و مفاهیم مستتر در دفاع مقدس می‌توان به ادراک بهتری از وقایع، ارزش‌ها، و میراث دفاع مقدس نائل شد. لذا پژوهش حاضر علاوه بر آنکه سعی می‌کند به ظرفیت‌های فرهنگ‌ساز در جریان‌های جمعیتی راهیان نور بپردازد، تلاش می‌کند محورهای حرکتی را به‌عنوان محورهایی فرهنگی با کارکردی بینش‌افزا و تأمل‌برانگیز برای بازدیدکنندگان مطرح سازد. این پژوهش درصدد است تا گونه‌ای جدید از فضاهایی فرهنگی و تاریخی با هویت در مقیاسی متفاوت و گسترده مطرح کند که صرفاً به نقاط و مراکز خاص (به‌شکل موزه‌های مرسوم) محدود نمی‌شود. لذا مقیاس طرح شامل نواحی و مسیرهای طویل و درازی از مناطق دفاع مقدس است که شاهد و بستر اتفاقات و تداعی‌کننده افتخارات دفاع مقدس برای بازدیدکنندگان باشد و این سؤال‌ها را به‌عنوان مسائل پژوهش حاضر بررسی کند که ویژگی‌های بارز فضایی- فرهنگی محورهای مناطق دفاع مقدس در بازدیدهای راهیان نور چیستند؟ و چگونه ظرفیت‌های این محورها، گونه‌ای از مسیرهای فرهنگی با هویت را به‌عنوان «محور- موزه» بازنمایی می‌کنند؟

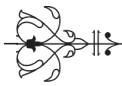
۳. روش تحقیق و تبیین ایده محور-موزه

روش تحقیق پژوهش حاضر مبتنی بر توصیف ویژگی‌ها یا ابعاد جریان جمعیتی راهیان نور در مناطقی است که رخداد‌های مختلف دفاع مقدس در آن به وقوع پیوسته است تا بتواند بستری برای ارائه الگوی متناسب برای بازنمایی ویژگی‌های مسیر و ارتقای بینش افراد بازدیدکننده از ابعاد و آثار و وقایع دفاع مقدس باشد. برای این منظور ابتدا ادبیات اجمالی موضوع با بهره از مطالعات کتابخانه‌ای بررسی می‌شود. سپس با توجه به اصالت نحوه نگاه به پدیده دفاع مقدس در کشور، ارزش‌ها و ظرفیت‌های مهم بازشناسی و معرفی آن در هویت‌بخشی فرهنگی و اجتماعی جامعه بیان می‌شود. به‌منظور بازنمایی آثار و میراث دفاع مقدس، از رویکرد خلاق و بدیع استعاره از ادبیات کهن ایرانی و اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد. لذا شناخت بستر و پیمایش

و ضبط و پیش چشم آوردن مظاهر مادی و معنوی گذشته‌های تاریخی جامعه و استمرار بخشیدن به هویت خود در گذر زمان، جایگاه و اعتبار خود را حفظ می‌کند. هر سند یا شیء بازممانده از رخداد‌های تاریخی، خواه در مقام نماینده ارزش‌های مثبت، و خواه چون سندی از شرارت و ضدیت با ارزش‌ها با دقت و امانت و نظم حفظ می‌شود تا همچون ادوار کهن حاوی مفاهیمی چون عبرت یا انتقال تجربه مادی و معنوی برای آیندگان باشد (خداداد و باب‌الحوادثی ۱۳۹۳).

در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در پس پرده مذمت جنگ، یادآوری دلآوری‌ها و سلحشوری‌ها و پیام صلح، مفاهیم و معانی دیگری نیز می‌توان در آن بازجست و آن حضور انسان‌هایی است که در دامن جنگ به والاترین درجه انسانیت پرورش یافتند و این امر در دامن اعتقادات و آموزه‌های اسلامی میسر شد. در این آموزه‌ها جنگ مذموم است و آنچه ممدوح است جهاد در راه خداست و آنچه لباس عزت به تن اهل تقوا می‌کند، همین دفاع مقدس است که مردان خدا را برگزید تا سجاده بر آتش بگسترند. این تمایز جنگ‌های باطل با دفاع مقدس نیاز به رویکردی جدید را هم در حضور و جنس بازدیدکنندگان و هم در تولید فضا به‌وجود آورده است. بازدیدکنندگان جنگ ایران که حتی در نام نیز متمایز هستند و به‌عنوان کاروان‌های راهیان نور شناخته می‌شوند، با انگیزه‌هایی متمایز از دیگر بازدیدکنندگان موزه‌های جنگ به این سفر می‌آیند؛ چنانکه آنان برای تحول و سیر آفاق و انفس آمده‌اند تا درک کنند مقام شهادتی را که طی طریق را در این جنگ تجربه کردند.

کاروان‌های راهیان نور تنها به دنبال واقعه‌های تلخ جنگ و یا سلحشوری دلیرمردان نیستند که با مطالعه و کنکاش در تاریخ می‌توان به آن دست یافت. آنچه برای آن‌ها قابل تأمل است، تجربه مقاماتی است که شهدا به آن رسیدند. ادراک این مفاهیم در سکون و نظاره یادگارها در کنج موزه‌ها میسر نمی‌شود، بلکه بر پایه مفاهیم اسلامی در حرکت و تجربه شخص از محیط و فضا نهفته و ادراک می‌شود. تجربه شخص در هر نقطه از مسیر، به‌واسطه هویت آن مکان به ایجاد موجودیتی جدید در فرد منجر می‌شود. پس موزه‌های کنونی که تنها به نمایش ظاهری جنگ می‌پردازند و بازدیدکننده به‌عنوان نظاره‌گر، ایستاده و ساکن به تماشای آنچه طراح مدنظر داشته می‌پردازد،



مبانی نظری به‌دست آمده (راهیان نور و دفاع مقدس) جهت‌گیری بدیعی جهت تبیین و طراحی جدیدی برای بازنمایی مؤثر آثار فرهنگی و هویتی دفاع و جنگ در کشور ارائه می‌شود که به آن الگوی «محور- موزه» اطلاق می‌شود. طراحی و تکوین سکانس‌های این محور-موزه می‌تواند جریان جمعیتی راهیان نور را در معرفت و ادراک عمیق‌تر میراث فرهنگی دفاع مقدس یاری رساند.

۴. مبانی نظری و ادبیات موضوع گردشگری در آثار جنگ

صرف‌نظر از ادبیات مبسوط انواع گردشگری‌های مختلف، که به جنبه‌های مختلف آن از قبیل گردشگری فرهنگی، طبیعی، درمانی، تجاری و تأثیرات فضایی آن‌ها می‌پردازد (خیرالدین^۲ و رضایور^۳ ۲۰۱۶)، بررسی‌ها و مطالعات مربوط به موضوع حاضر ادبیات قابل‌توجهی دارد. با بررسی آن‌ها می‌توان جایگاه پژوهشی حاضر و بداعت نسبی آن را تا حدی روشن کرد. مثلاً پژوهشی با عنوان «موزه و بناهای یادبود دفاع مقدس» با طرح این سؤال که آیا مقوله جنگ هشت‌ساله ایران و عراق به‌عنوان پدیده و حادثه‌های تاریخی در کشور ما قابل طرح و بازنگری برای آیندگان و نسل بعدی است؟ آیا اصولاً یاد و خاطره جنگ را به غبار گذشته بسپاریم یا از تجربیات آن برای آینده استفاده کنیم؟ در صورت مثبت بودن پاسخ این سؤال، هدف بعدی پژوهش یافتن روش‌های برنامه‌ریزی فضایی و معماری برای انتقال و تداوم تاریخ جنگ و فرهنگ مقاومت برای نسل‌های بعدی است (ارسلان‌پور ۱۳۸۵). پورمند (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «طراحی موزه دفاع مقدس دغدغه توجه به حقیقت دفاع مقدس» می‌نویسد: یکی از مهم‌ترین واقعه‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی مسئله دفاع در اندیشه ارزش‌های عقیدتی و ریشه ملی و چگونگی تبدیل آن به کالبدی معمارانه صورت پذیرفت تا در آغاز بستری برای شناخت چگونگی تهاجم و رفع تجاوز ارائه کند و سپس به یک خواسته عمومی، حسرت از فراموش شدن و از بین رفتن یکی از قطعات باارزش تاریخی، پاسخی مناسب دهد. در قسمت نخست، ابتدا به چرایی نیاز به حفظ آثار دفاع مقدس اشاره و در ادامه ابعاد معماری و شهرسازی آن یادآوری شده است. سپس، با رجوع به منابع مختلف، سیر پیدایی و تکوین موزه‌ها مطالعه شد. در ادامه، تحلیل رویکردهای

منطقه اهواز تا ارونند و مطالعه و صورت‌بندی اتفاقات دوران دفاع مقدس در این محور به‌جای روش‌های مرسوم نمونه و حجم و تعمیم‌پذیری اهمیت می‌یابد. به‌عبارت دیگر، با شناخت ویژگی‌های موجود بستر و میراث حماسه‌های دوران دفاع مقدس در این منطقه الگوی فضایی بازنمایی بینش‌افزا برای بازدیدکنندگان محور اهواز تا ارونند پیشنهاد می‌شود. لذا در ابتدا سعی می‌شود مفاهیم پایه مرتبط در طی این مسیر بیان شوند و سپس با استعاره از مفاهیم ادبیات ایرانی اسلامی مانند هفت وادی معرفتی عطار، مسیر مورد مطالعه در برش‌های مختلف معرفی شود. سکانس‌بندی مسیر و ارائه برخی ایده‌های فضایی برای شناخت عمیق و درک بهتر اتفاقات دوران جنگ در مسیر، روش عملیاتی بازنمایی میراث و ارزش‌های دفاع مقدس است و محور اهواز تا ارونند مصداق تحقق مفهوم «محور-موزه» در مقیاس منطقه‌ای است.

با توجه به ماهیت موضوع و مفاهیم نوین و مفهومی موزه، برای بررسی و پاسخ به سؤالات پژوهش دو عامل قابل توجه است. نخست شناخت بسترهای فرهنگی جامعه و باورهای ملی و مذهبی خصوصاً ادراکات پسین و پیشین^۱ جامعه نسبت به جنگ کشورشان است. دومین عامل اثر موزه در نگرش و برداشت مخاطب از اثر است که در اینجا بازدیدکنندگان دفاع مقدس جمعیت «راهیان نور» هستند. در روند مطالعه بستر و ظرف الگوی فضایی «محور- موزه دفاع مقدس» باید به ویژگی‌های هویتی و هدف‌های بازدیدکنندگان این محورها (کاروان‌های راهیان نور) به‌عنوان مظروف توجه شود. ارتقای گفتمان هویتی جامعه در رابطه با دفاع مقدس و بررسی ماهوی تفاوت در پساادراک‌ها و پیش‌ادراک‌های دفاع مقدس در ایران براساس باورهای جامعه و آموزه‌های دفاع مقدس از مفاهیم پایه برای استخراج الگوی برنامه‌ریزی و بازنمایی آثار دفاع مقدس در «محور- موزه» محدوده مورد مطالعه است.

محور مورد مطالعه اهواز- ارونند در بازدید جریان جمعیتی راهیان نور با استعاره از مراحل سیر سالک طریق منطق الطیر عطار در هفت وادی عرفان سکانس‌بندی می‌شود، زیرا انطباق متناسبی بین هفت مرحله نیل به معرفت در منطق الطیر عطار با ویژگی‌های بخش‌های مختلف این مسیر وجود دارد. در نهایت با برهم‌گذاری



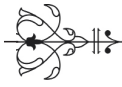
موزه یاد می‌شود. مفهوم موزه این‌گونه معرفی می‌شود: «موزه مؤسسه‌ای دائمی است و بدون هدف مادی که درهای آن به روی همگان باز است و در خدمت جامعه و پیشرفت آن فعالیت می‌کند. هدف موزه‌ها، تحقیق در آثار و شواهد به‌جای مانده انسان و محیط زیست او، گردآوری آثار، حفظ و بهره‌وری معنوی و ایجاد ارتباط بین این آثار به‌ویژه به نمایش گذاردن آن‌ها به‌منظور بررسی و بهره‌ر معنوی است» (نفیسی ۱۳۸۰).

موزه با دگرگونی‌های خود، نگرش‌های تازه‌ای به خود گرفته است. این نگرش‌ها گاه از برداشت اثر و گاه برداشت از مجموعه پدید آمده است. این نگرش‌ها گاهی موزه را به گردآوری و ساختن موزه در کالبدی خاص سوق داده و گاه هم موزه را در کالبدی قدیمی همچون بنای تاریخی و یا محوطه‌ای باستانی جای داده است و گاه یک مکان- رویداد خاص بدون مجموعه‌ای منقول به موزه تبدیل شده است. برداشت از اثر به بسترهای فرهنگی جامعه، ویژگی‌های موضوع، نوع آثار، حتی باورهای ملی و مذهبی نیز وابسته است و هر موزه با شناخت این عوامل تأثیرگذار برداشت و منظر نگاه خود را تعیین می‌کند. از همین رو، نمی‌توان یک نگرش را بر نگرش‌های دیگر برتری داد. آنچه اهمیت دارد همخوانی نگرش با بستر میزبان و نوع مجموعه است. گاه در موزه‌ای می‌توان شاهد نگرش‌های مختلف در برنامه‌های متناوب بود، چراکه موزه همراه با خواست جامعه برنامه‌سازی می‌کند و از نگرش‌های ویژه موزه‌نگران بهره می‌گیرد (دبیری‌نژاد ۱۳۹۴، ۹۰). موزه‌ها به‌عنوان یک مجموعه دارای پتانسیل برای کمک به روندی است که در آن افراد حس مکان، تعلق و هویت را توسعه می‌دهند و آن‌ها را حفظ می‌کنند. از سویی دیگر مخاطب فرایند موزه‌ها را شکل می‌دهد. تدوین روش متناسب فعالیت و رسیدن به نتیجه، با شناخت مخاطب میسر می‌شود. از این رو در طرح محتوایی لازم است که مخاطب به‌عنوان آینه بازتاب‌دهنده فعالیت‌ها معرفی شود. تدوین اهداف و کارکردها بر مبنای نیازهایی که سبب برپایی موزه مورد نظر شده‌اند، سرفصل مهم طرح محتوایی موزه است که بسیاری از فصل‌های دیگر را با به‌دست آوردن این سرفصل می‌توان تدوین کرد. برای یافتن محتوا باید به شناخت عمیق از انگیزه مخاطبان در بازدید از این موزه‌ها پرداخت. در بستر نظری فوق می‌توان به کم و کیف

متفاوت به جنگ و دفاع در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی ارائه شد. حاصل سخن اینکه حقیقت دفاع مقدس، حماسه‌هایی بود که در بستر انقلاب اسلامی شکل گرفت و اکنون در حوزه هنر به ماندگاری می‌انديشد. در قسمت دوم، روایت‌های مختلف معرفی و پیشنهاد شد که حقیقت جنگ یعنی بُعد حماسی آن، از لحاظ نظری مورد مذاقه قرار گیرد و حتی‌المقدور مؤلفه‌های آن استنتاج شود. سپس، تجربه‌های تاریخی-دفاعی معماری ایران، شناسایی و ویژگی‌های آن‌ها بررسی شود.

زنگی‌بند (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «موزه دفاع مقدس سنندج» می‌نویسد: هدف این پژوهش ایجاد مرکز و کانونی جهت طرد جنگ و ایجاد فرهنگ گفت‌وگو از طریق بازتولید فجایع جنگ‌ها در فضای یک موزه و مجموعه فرهنگی است. به نمایش گذاشتن لحظات جنگ، که بی‌شک یکی از مهم‌ترین دوران تاریخ معاصر ایران است، یک نیاز فرهنگی-اجتماعی است که می‌توان با ساخت‌وساز فضای مناسب این امر با عنوان موزه جنگ، این نیاز را برطرف کرد. در حال حاضر سعی برای ارائه یک معماری مناسب در جهت خلق فضا و فرم نگهداری آثار باقیمانده از جنگ است. انجام مطالعات فیزیکی و جمع‌آوری داده‌ها و ارزشیابی از اصول اولیه هر طراحی و لازمه یک طرح تحقیقی کامل است. مطالعات حاضر نیز به‌منظور ارائه شناختی جامع به تمامی دست‌اندرکاران طراحی فضاهای داخلی و معماری موزه بالأخص موزه جنگ صورت گرفته است؛ و درحقیقت راهگشایی برای موزه‌نگاری خواهد بود. با توجه به عملکرد فرم‌های نمونه‌های خارجی و محدود داخلی و روابط عناصر مجموعه، نیازهای آن بررسی و شکل گرفته است. ارائه فضاهای کارگاهی-آموزشی برای مقولات هنری و تحقیقات در زمینه جنگ، همچنین ایجاد فضایی برای تفریح و برآوردن نیازهای معنوی-تفریحی از طریق فضاهای خدماتی موجود در مجموعه و در کنار فضاهای آموزشی از اهداف دیگر مجموعه است. درنهایت، طرحی به‌عنوان موزه یادمان دفاع مقدس سنندج قابل طرح و توجیه است.

این مطالعات عموماً با تحلیل مفاهیم و ارائه شاخص‌های خود تلاش در ارائه طرحی برای یادآوری خاطرات اصیل جنگ در نقطه‌ای مشخص از طریق ایجاد مراکزی با این کارکرد دارند و اغلب از آن‌ها به‌عنوان



طرفداران زیادی دارد. نوعی گردشگری برای بازدید از محل‌های حوادث و فجایعی انسانی یا طبیعی همچون سیل، طوفان یا زلزله یا گورستان‌ها و... را گردشگری سیاه گویند. عمده‌ترین جاذبه‌های گردشگری جنگ در دنیا شامل جبهه‌ها و مناطق نبرد، موزه‌های جنگ و صلح، یادمان‌های جنگ و قربانیان آن و قبرستان‌های کشتگان جنگ می‌شود.

این شاخه توریسم وقتی به مرزهای ایران می‌رسد، وجه دیگری می‌یابد. بررسی‌ها و مشاهدات گردشگران راهیان نور تلقی متفاوتی از تلقی‌های مرسوم از گردشگری جنگ را عیان می‌سازد. تاریخ، معنویت و حماسه دستاوردهای گردشگران جنگ در ایران، در بازدید و پیمایش مناطق جنگی است و از این رو در ایران شاخه تلخ مفهوم گردشگری سیاه، چارچوب تازه‌ای پیدا می‌کند. گردشگران جنگ کسانی هستند که احساسات و هیجانات بشردوستانه و حتی مذهبی و معنوی آن‌ها در انتخاب سفر نقش بسیار مهمی دارد. بازدید از جاذبه‌های جنگی احساسات چندگانه‌ای مانند «احساسات عاشقانه» در بازدیدکننده از میدان جنگ ایجاد می‌کند. جایی که می‌تواند تصور جنگیدن برای اهداف مقدس و ارزش‌ها را در ذهن مخاطب بپروراند. بسیاری از اماکن جزئی از هویت ملی‌اند که می‌توانند باعث افتخار بیننده شوند؛ به این معنا که ما توانسته‌ایم از دست مهاجمان به میهن نجات یابیم. بازدید از یک محل مهم شخصی یا اجتماعی گاهی حس زیارت را به فرد می‌دهد. بازدید از محلی غم‌انگیز می‌تواند حس عرفانی را برانگیزد، به‌ویژه اگر بین بازدیدکننده و فرد رنج‌کشیده ارتباطی برقرار باشد. هر قدر این ارتباط نزدیک‌تر باشد، این تجربه قوی‌تر خواهد بود. فراتر از این حس عارفانه و اسرارآمیز یک احساس روحانی است که بیشتر بر پایه احساس مشترک انسانی است تا ارتباط صرف با یک محیط. از این رو، بازدید از مناطق جنگی هر کشور می‌تواند نقش مهمی را در آشنایی و ایجاد ارتباط افراد با فرهنگ جنگ و پایداری در آن کشور و شناخت قهرمانان ملی و افتخارآفرینان آن ایفا کند (تارلو^۴ ۲۰۰۵). در دیگر تحقیقات انجام‌گرفته نیز نگاه به جریان راهیان نور به‌عنوان گردشگری جنگ است، چنان‌که گردشگری جنگ برای بازدید، بزرگداشت و احترام و در برخی مواقع عبرت گرفتن است. اما در حرکت راهیان نور مضامین معرفی وجود دارد که صرفاً در بزرگداشت و یافتن هویت خلاصه

محورهایی که جریان جمعیتی راهیان نور را در خود جای داده می‌دهند و ادراک خاصی را در بازدیدکنندگان ایجاد می‌کنند توجه کرد که به‌عنوان محورهایی در مقیاس منطقه‌ای و نه صرفاً یک نقطه و مرکز خاص انتخاب و کار کرد داشته باشند و بازدیدکنندگان (جمعیت راهیان نور) در عبور از این محورها، مفاهیم و مضامین خاصی از یکسری رخدادهای تاریخی مثل دفاع مقدس را در این محور تجربه کنند. این بستر از ادراک و انتقال پیام‌ها و مفاهیم به جمعیت راهیان نور با ویژگی‌هایی که در ادامه به آن پرداخته می‌شود «محور-موزه‌های دفاع مقدس» اطلاق می‌شود که تقریباً در ادبیات بررسی‌شده این مفهوم تبیین نشده است. لذا تبیین این رویکرد بیانگر بداعت نسبی موضوع پژوهش حاضر است.

۴-۱. گردشگری جنگ و انگیزه‌های بازدیدکنندگان آن

به‌منظور روشن کردن ویژگی‌های جریان فضایی راهیان نور در صورت‌بندی‌های موجود از انواع گردشگران در این قسمت به ادبیات گردشگری جنگ در دنیا و انگیزه‌های گردشگران این بخش پرداخته می‌شود. گردشگری جنگ یکی از انواع گردشگری است. بعد از جنگ جهانی دوم زمزمه‌های گردشگری جنگ مطرح شده است؛ ایده‌ای که هدفی جز رونق دوباره مناطق جنگ‌زده و بهبود وضعیت اقتصادی این مناطق نداشت، اما بعد از مدتی وجهه تاریخی آن قوت گرفت و با بهبود وضعیت مناطق جنگ‌زده، به حاشیه دنیای گردشگری رانده شد. گردشگری جنگ، شاید در ابتدا مفهومی متناقض و دور از ذهن به‌نظر آید، چراکه گردشگری، گذراندن اوقات خوش با سفر به جاهای زیبا یا دیدن آثار تاریخی، بیشتر به قصد تفریح و لذت بردن را به ذهن متبادر می‌کند؛ در حالی که گردشگری جنگ، چنان‌که از نامش برمی‌آید قرار نیست حداقل به‌لحاظ بصری، زیبایی‌ای را به معنی عام آن بنمایاند. شاید قرار است این نوع از گردشگری ما را متأثر کند، چیزهایی را به یاد بیاورد یا حتی هشدارهایی بدهد. رازآلودی، گاهی تلخی، جاذبه‌های عجیب و دور از انتظار برای گردشگران دارد. گردشگری جنگ در تعریف بسیط و کلی خود زیرمجموعه گردشگری سیاه قرار می‌گیرد و به‌عنوان یکی از شاخه‌های پرجاذبه صنعت گردشگری در جهان





وطن‌پرستانه که بالاترین انگیزه بازدید از این مناطق در سایر کشورهاست می‌داند. در مرور اجمالی مطالعات انجام‌شده در این حیطه، به‌ندرت پژوهشی می‌توان یافت که با استفاده از اصول کلی طراحی موزه و اثر مخاطب و آموزه‌های فرهنگی و مذهبی جامعه به تبیین گونه‌ای جدید از بستر فضایی در مقیاس منطقه‌ای باشد که وقایع جنگ و دفاع را با استفاده از گفتمان هویتی جامعه و فارغ از الگوهای مرسوم به بازدیدکنندگان در حال حرکت (جریان جمعیتی راهیان نور) بازنمایی کند.

۴-۲. تحلیل مؤلفه‌های الگوی منطقه‌ای بازنمایی فضایی میراث دفاع مقدس

در بررسی ویژگی‌های راهیان نور ابتدا علل تکوین و گسترش این جریان مدنظر است. نظر به اینکه جنگ در پیوستگی با اهداف انقلاب، بر اهداف و ماهیت جنگ همچنین استراتژی و تاکتیک‌ها تأثیر گذاشته است، نوعی پیوستگی میان روایت از جنگ و مطالبات سیاسی و اجتماعی جامعه ایران^۷، همچنین مناقشات سیاسی درباره موضوعات و مسائل جنگ و انقلاب برقرار شده است. به همین دلیل بخش مهمی از جریانات سیاسی و فرهنگی کشور در امتداد موضوعات و مسائل جنگ مورد شناسایی قرار دارد. اولین گروه‌های بازدید از مناطق جنگی در همان طول دوره جنگ شکل گرفت. خانواده شهدا که فرزندان خود را در انقلاب ۱۳۵۷ از دست داده‌اند، حالا با حضور در مناطق جنگی و بازدید از رزمندگان هم موجب دلگرمی رزمندگان حق علیه باطل می‌شوند؛ و هم می‌بینند چگونه عده‌ای دیگر از آنچه فرزندان‌شان خون خود را برای آن داده‌اند دفاع می‌کنند. گروه دومی که به بازدید از مناطق جنگی رفتند خانواده‌های شهدای واقعه آزادسازی خرمشهر هستند. در سال‌های پایانی جنگ این خانواده‌ها آمده بودند تا دستاورد خون فرزندان خود را نظاره‌گر باشند. درک آنان از این پیروزی، پیروزی خون بر شمشیر و اسلام بر کفر و مصداق آیه «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً يَأْذِنُ اللَّهُ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ»^۸ بود. شکل‌گیری راهیان نور بخشی از آن در پیوستگی انقلاب و جنگ تحمیلی است و بخش مهم دیگر در تحولات فرهنگی- اجتماعی جامعه در سال‌های پس از جنگ ریشه دارد. کنش سوم هنگامی است که جنگ پایان می‌یابد و رزمندگان به شهر باز می‌گردند. آنان احساس

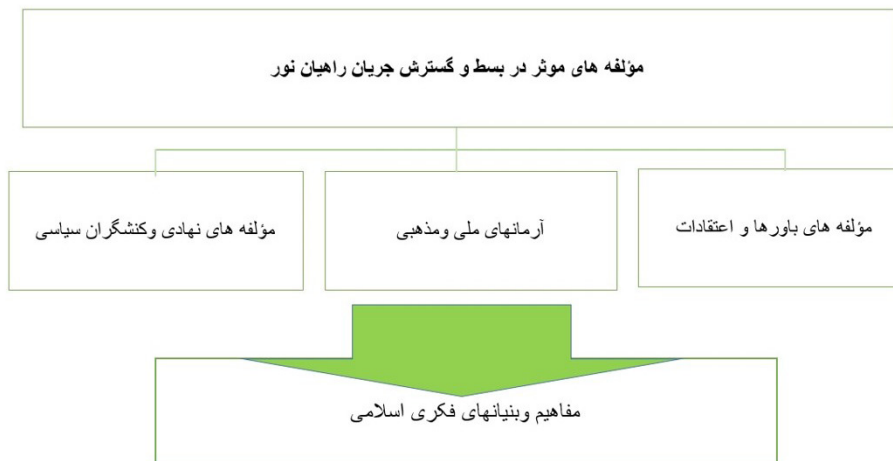
نمی‌شود که موزه‌های نقطه‌ای و با مقیاس معماری زمینه و ظرفی برای آن‌هاست و اغلب پژوهش‌های انجام‌شده در موزه‌های دفاع مقدس ایران بیشتر در مقیاس معماری موزه‌هاست، مانند ذاکری (۱۳۸۷) و ارسلان‌پور (۱۳۸۵). برخی دیگر از پژوهش‌ها هم درباره موزه‌های دفاع مقدس در شهرهای ایران است، مانند زنگی‌بند (۱۳۸۹) و برخی نیز درباره طراحی موزه‌های دفاع مقدس و ارزش‌های فرهنگی آن‌ها هستند، مانند پورمند (۱۳۸۴).

در جریان فضایی راهیان نور مقیاس کار نمی‌تواند به یک مرکز و مجموعه فرهنگی به‌صورت موزه دفاع مقدس محدود شود، چراکه طی مسیر در این جریان لزوماً برای رسیدن به یک نقطه به‌عنوان مقصد سفر نیست، زیرا طی مسیر در سفرها معمولاً به دو دسته سفرهای بدون مقصد و با مقصد دسته‌بندی می‌شوند (میرزایی^۹ و دیگران ۲۰۲۱). درک مسیر و وقایع تجربه‌شده در مسیر بخش مهم این جریان جمعیتی است که جمعیت را به تفکر و تأمل و اندیشیدن به رشادت‌های شهدا و اتفاقات پیدای پنهان در طی پیاده‌روی در این فضاها می‌برد. بعضاً باعث مکث‌ها و گریستن‌ها و تحسین اینثار شهدا و رزمندگان دوران دفاع مقدس در این محورهای جنگی است که این پدیده هم باعث ارتقای کیفیت حضورپذیری فضاها و هم باعث حضور و ارتقای سرمایه اجتماعی در این مسیرها و فضاها می‌شود (مؤیدی^{۱۰} و دیگران ۲۰۱۹). در پژوهشی با نگاهی دیگر «مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر تقاضای گردشگری جنگ در ایران (از نگاه بازدیدکنندگان)» با قرار دادن این جریان در قالب گردشگری جنگ و استخراج مبانی نظری به بررسی انگیزه‌های بازدیدکنندگان پرداخته (نعمتی ۱۳۹۲) و نتایج آن از متغیرهای ارزش‌های دینی، هویت ملی، میراث ملی، دیدن آثار، علاقه به تاریخ، احساس دلتنگی، ارزش‌های فرهنگی ایران و رسانه‌ها، از قابلیت پیش‌بینی تقاضای گردشگری جنگ حکایت می‌کند. همچنین در بررسی متغیرهای فردی، متغیرهای سن، جنس، تحصیلات، شغل، وضعیت تأهل، شکل و مدت و هزینه سفر بر تقاضای گردشگری جنگ مؤثرند. اما نکته قابل تأمل در این پژوهش این است که بازدید از مناطق جنگی بر اساس اصول اعتقادی اسلام و آمیختگی با فرهنگ ایرانی لحاظ شده و معنویت تعالی روح اینثار و شهادت مهم‌ترین انگیزه بازدیدکنندگان دانسته شده است و آن را فراتر از احساسات



نقش اساسی داشتند که نقطه مشترک آن‌ها فرهنگ بود. فرهنگ به‌عنوان اصلی‌ترین رکن بسط و تکوین این جریان با توجه به رویکردهای علوم اجتماعی شناخته شده و همواره فرهنگ اسلامی - شیعی ریشه مؤلفه‌های فوق به حساب می‌آید (حجت‌زاده ۱۳۹۵، ۵۱-۶۱).

غربت می‌کنند و شهر به‌مثابه جایگاه توسعه به همراه تجددگرایی و زدودن غبار دوران دفاع از میهن برایشان بیگانه می‌نماید. در نهایت سه مؤلفه مهم باورها و اعتقادات، آرمان‌های ملی و مذهبی، و مؤلفه‌های نهادی و کنشگران سیاسی در ایجاد و گسترش این جریان



شکل ۱. مؤلفه‌های مؤثر بر گسترش جریان راهیان نور

فرهنگی اندیشه اسلامی، دینی، شیعی و به‌ویژه کربلایی و عاشورایی است. از طرف دیگر وادی در اصطلاح ادبیات به «صحرا و بیابان» و در عرفان «سیر و سلوک» معنی شده است. سالک به‌سبب وصول معرفت الهی است که حرکت را می‌پذیرد و پای در این راه می‌نهد. در واقع تفاوت بازدیدکنندگان موزه‌های جنگ جهان از موزه‌ها و فضاهای دفاع مقدس این است که فرد تنها به دنبال دیدار و درک شرایط جنگ نیست، بلکه هدف وی طی مسیر است. همان راهی که شهدا رفتند و به دیدار معبود رسیدند. آن‌ها برای درک چگونگی این سیر انفس به آفاق می‌روند. همین امر نیازمند تغییر در نگرش و نگاهی نو به تعاریف موزه است، چراکه مخاطب برای رسیدن به هدف نهایی خود باید مقاماتی را تجربه کند و البته هر کس به میزان توانایی خود این حرکت را تجربه می‌کند و از آن بهره‌مند می‌شود. گام دوم شناخت مفاهیم مستتر در جنگ است، چراکه با توجه به مفاهیم هویتی هر ملتی باید دانست که هر موزه و هویت مکان آن وامدار مفاهیم مستتر در گفتمان هویتی آن ملت و جامعه است و نمی‌تواند نشانه‌ها و نمادها را از جامعه‌ای دیگر طلب کند. چنانچه در

با توجه به استخراج مبانی شکل‌گیری این کنش، اینک به بررسی لغوی راهیان نور در بنیان‌های فکری اسلامی می‌پردازیم. واژه راهی، برابر نهادۀ واژه عربی «سالک» است؛ کسی که قدم در راه گذاشته و روی به سوی مقصدی دارد که یکپارچه نور است. واژه «راهی»، این تأثیرپذیری را کاملاً نشان می‌دهد. در عرفان اسلامی، این نوع سفرها مسبوق به سابقه است؛ یعنی سفرهایی که ظاهراً آفاقی‌اند، اما باطناً انفسی‌اند و در نهایت، قلب سالک را به نور اشراق روشن می‌کنند. به این ترتیب، نظیر آنچه در داستان منطق الطیر عطار می‌خوانیم، مقصد همان تغییر و دگرگونی عمیقی است که در وجود سالک پدید می‌آید. وجود چنین عقبه قوی و کهن در ورای واژه راهیان نور، موجبی است برای اینکه بسیاری از زائران و راهیان نور، به محض نزدیک شدن به بناهای آرامگاهی شهدا و یا مناطق جنگی، پای خویش را از پای‌افزار برهنه کنند و دعاگوین و ذکرگوین و گریان قدم برمی‌دارند. همچنین در تداوم مناسک و آداب توسل خود همچون حضور در بقاع متبرکه ائمه عمل می‌کنند که خود به‌لحاظ معنایی بسیار قابل تأمل است. این نوع بناها و مکان‌ها پاسخ‌گوی «نیاز نیایش» انسان اشراقی و زیسته در فضای

است و محوری است برای جریان جمعیتی زایر در حال سیر و سلوک و درخور تعبیر راهیان نور. این محورها با حضور پیاده‌بازدیدکنندگان هم کیفیت فضاهای عمومی طی شده توسط جمعیت را تقویت می‌کنند، هم باعث ارتقای سرمایه اجتماعی در فضاها و سرزندگی آن‌ها می‌شوند (مویدی و دیگران ۲۰۱۹). و چنین بستر فضایی با مقیاس منطقه‌ای به‌عنوان «محور- موزه» اطلاق شده و دربردارنده نقاط گره‌گامی و مسیرهای ارتباطی بین آن‌ها با منزل‌های مختلف است که هریک حاوی مفاهیم و بخشی از رخدادها ولی در توالی و هم‌پیوندی با هم در طول یک محور تعریف می‌شود.

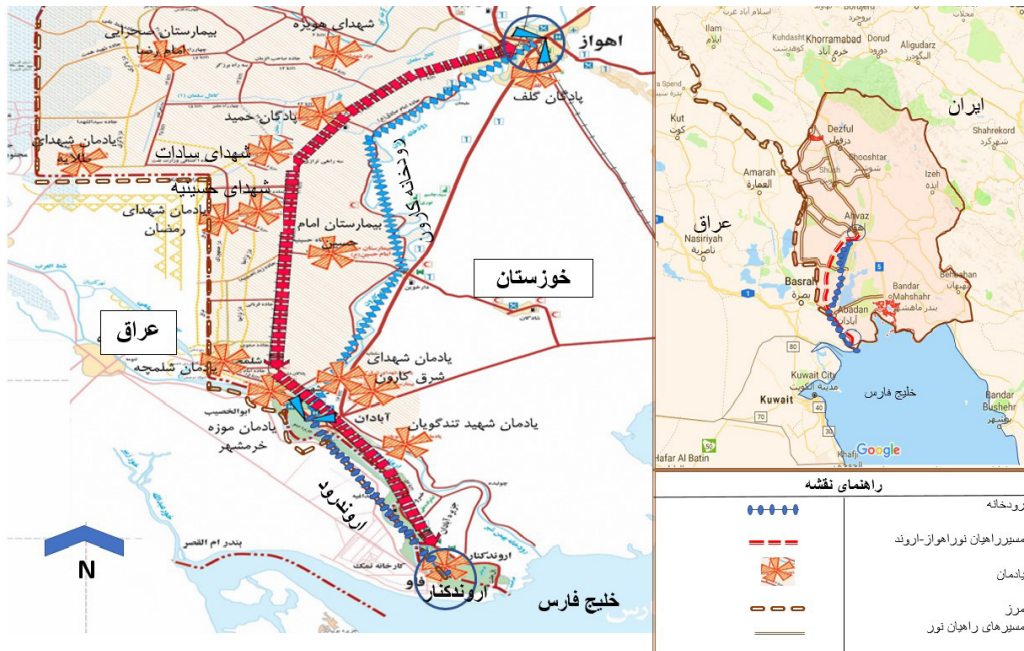
۵. از مفهوم الگوی منطقه‌ای «محور- موزه» آثار دفاع مقدس تا مصداق محور راهیان نور اهواز-اروند

در این قسمت مصداقی از الگوی محور- موزه دفاع مقدس در منطقه خوزستان براساس مفاهیم فوق معرفی و تشریح می‌شود. در مراتب عرفانی و اسلامی باید یک جریان به حرکت درآید و در هر مقام هرکس به اندازه بضاعت خود طی طریق کند. برای تصور محوری از یک جریان حرکتی توأم با تأمل و تفکر در مسیر می‌توان از وادی‌های هفت‌گانه عرفان منطق الطیر الهام گرفت. لذا هفت وادی عرفان منطبق بر منطق الطیر عطار که بر مفاهیم اسلامی استوارند، برای طراحی مفهومی یک محور منطقه‌ای استعاره گرفته می‌شود. محور اهواز-اروند به‌عنوان «محور- موزه منطقه‌ای» برای بازدید دارای اصالت‌های قابل توجهی است چون محور «اهواز-اروند» هم‌راستا با مسیر حرکتی رودخانه کارون است که هویت اصلی منطقه براساس آن شکل گرفته است. از طرفی یکی از مهم‌ترین بهانه‌های شروع جنگ، مالکیت ارون‌رود (از ادامه کارون در مرز به این نام تغییر می‌یابد) بوده است. این محور برای زائران کاروان‌های راهیان نور جاذبه‌های خاص تاریخی فرهنگی و طبیعی نیز دارد. لذا محور اهواز-اروند به‌عنوان محور-موزه منطقه‌ای دارای ظرفیت متناسب با مفاهیم مطروحه انتخاب و روی آن بحث می‌شود.

نظریه هویت، کوین لینچ هویت یک مکان را در تمایز آن مکان با مکان‌های دیگر تعریف می‌کند و آن را پایه‌ای برای شناخته شدن مکان موردنظر به‌عنوان موجودیتی منحصربه‌فرد می‌داند. این موضوع نشان می‌دهد که هر مکان آدرسی واحد و منحصربه‌فرد دارد و به عبارت دیگر قابل شناسایی است. لذا در بازنمود مشخصه‌های فرهنگی و معنایی دفاع مقدس از طریق ابزارهایی مانند موزه‌ها، لازم است به مفاهیم هویتی و منظر فرهنگی (شیروانی دستگردی^۱ و خیرالدین ۲۰۲۲) خود مناطق که با مفاهیم اعتقادی و اسلامی انقلاب ایران عجین است توجه کرد. چون ضمن اینکه ارتقای منظر فرهنگی مناطق تاب‌آوری آن‌ها را در شرایط مختلف تقویت می‌کند در عین حال مفهوم دفاع مقدس و انقلاب اسلامی در پیوستگی با هم تداوم یافته‌اند و مفهوم شرکت در جنگ برای مردم ایران فراتر از احساسات ملی و وطن‌پرستی و متأثر از آرمان‌های اسلامی است. با این وصف برای طراحی محتوای موزه‌ها نیز باید براساس اصول و آموزه‌های فوق عمل شود.

بحث ایجاد موزه‌های دفاع مقدس از زمان جنگ مطرح بود؛ چنانکه پس از پایان جنگ و تشکیل بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، اولین تصمیم این بود که در شش استان مرزی خوزستان، کرمان، ایلام، کرمانشاه، کردستان، و آذربایجان غربی درگیر در دفاع مقدس موزه ایجاد شود. اما بیشترین بازدیدکنندگان جنگ کاروان‌های راهیان نور هستند که هرساله برای بازدید به مناطق عملیات سفر می‌کنند. در حال حاضر سفر به مناطق عملیاتی جنوب کشور، محورهای عملیاتی غربی (کرمانشاه)، محورهای خلیج فارس (بوشهر)، و به تازگی محور شرق (سیستان و بلوچستان) در زمره عمده این بازدیدها قرار گرفته است. مشاهدات پژوهش بر این موضوع تکیه دارد که کاروان‌های راهیان نور فارغ از بازدید و حس وطن‌پرستی که از ویژگی‌های بازدیدکنندگان مناطق جنگی است برای حرکت و تحول آمده‌اند. این تحول در طراحی موزه‌های کنونی که فرد در نقطه‌ای به حال سکون تنها تماشاگر ابزار و نشانه‌های جنگ است، قطعاً پاسخ‌گو نخواهد بود و نیازمند نگاهی نو به این مفاهیم است. تجلی این نگاه نو می‌تواند بستری با مقیاس منطقه‌ای برای حرکت بازدیدکنندگان محور به همراه درک مفاهیم و رخدادهای فضای مورد بازدید باشد که مقیاسی فراتر از ساختمان‌های موزه‌های دفاع مقدس





شکل ۲. مسیرهای کاروان‌های راهبان نور در خوزستان

۵-۱. مفهوم‌سازی بازنمایی فضایی آثار دفاع مقدس

با الهام از هفت وادی عرفان مستتر در مفاهیم اسلامی به تحلیل این محور پرداخته شده است. مسیر کاروان‌های راهبان نور از اهواز (که نشان گرما و آفتاب است) آغاز می‌شود و پس از بازدید از شش منطقه جنگی، آخرین منطقه مورد بازدید، اروندکنار است. اهواز که نشان گرما و آفتاب است وادی اول (مرحله طلب) در نظر گرفته می‌شود. سالک پس از طی شش وادی وارد وادی فقر و فنا می‌شود که در آن سالک هیچ چیز و باقی همه چیز است. در اینجا آب استعاره‌ای از فقر و فناست و به همین دلیل این هفت وادی در نهایت به رود اروند پایان می‌یابد. به عقیده عطار، برای پاک‌باختگی و حلول در عمق عرفان و رهایی از تعلقات، از هفت وادی به ترتیب طلب، عشق، معرفت، استغنا، توحید، حیرت و فقر باید وادی به وادی گذشت و در هر مرحله اشراف کامل را به دست آورد. برای رسیدن به حقیقت باید در هر وادی قدم برداشت و از طریق کشف و شهود و اشراق، توشه معنوی لازم را اندوخت. هفت وادی به قرار زیرند:

وادی اول، طلب (اهواز): ابتدای راه وادی «طلب» است. طلب در لغت به معنی «خواستن، جستن و طلبیدن» است. در این مرحله سالک باید با اراده قوی

و آهنین گام بردارد، چون این وادی پرخطر است تا بتواند از کثرت به وحدت برسد. شروع حرکت کاروان راهبان نور از اهواز سرزنده و فعال آغاز می‌شود. شرایط بسیار گرم سرزمین آفتاب شب‌های فعال‌تر و سرزنده‌تر از روز (خرسند^۱ و دیگران ۲۰۲۱) را برای شهر اهواز متجلی می‌کند. تحمل آب و هوای این منطقه برای همگان کاری مشقت‌بار است، اما این مردم عزم کردند (خواستن)، بیایند و مفهوم عشق و از خودگذشتگی (جستن) را پیدا کنند (طلب). پس طی این مسیر نیازمند اراده‌ای قوی است، چراکه با هر شغل و منصب و عنوانی که سالک دارد آن را رها می‌سازد و همه در یک مقام و تحمل مشقت راه در جست‌وجوی این عشق حرکت می‌کند. شروع جریان راهبان نور از اهواز نوعاً ضمن ایجاد مرجعیت برای آغاز حرکت برای طی مراحل بعد شناخت و درک مسیر حرکتی است در جهت کاهش تمرکز فضایی و انتقال فعالیت‌ها به سمت مناطق اطراف (خیرالدین و قادری^{۱۱} ۲۰۲۰). و این خود رویکردی در جهت آمایش فضایی منطقه اهواز تا اروند است که تمرکز روی کلانشهر اهواز را تعدیل و به محورهای اطراف در مناطق مرزی منتقل می‌کند (خیرالدین و رضایپور ۲۰۱۶)؛ و باعث جذب جمعیت بازدیدکننده در مناطق مرزی و سرزندگی و حضورپذیری مناطق می‌شود.



شکل ۳. اهواز سرزمین آفتاب و گرما همواره محل شروع حرکت راهیان نور و نیز شروع تشییع پیکر سردار سلیمانی هم بوده است (مأخذ عکس: سید خلیل موسوی، مهرنیوز)

مالامال از محبت، شوق و مستی می‌گردد، در آتش سوزان و تبوتاب آن می‌سوزد و حظ می‌برد. آدمی که عاشق نباشد خودبین است و چگونه خودبین غیر از خود را می‌تواند ببیند. اکنون پادگان حمید محل استقرار یکی از یگان‌های لشکر ۹۲ زرهی اهواز و مکانی برای اسکان زائران کربلای خوزستان است. با توجه به شجاعت و اراده راسخ رزمندگان در عملیات بین‌المقدس و تأثیر آن در آزادسازی پادگان حمید و بسیاری از مناطق حساس دیگر، این پادگان در سال ۱۳۸۹ به‌عنوان سی‌وششمین اثر دفاع مقدس در فهرست آثار ملی کشور ثبت شد و ظرفیت مهمی در بازنمایی میراث و رشادت‌های عاشقانه رزمندگان دفاع مقدس دارد.

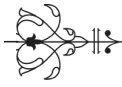
وادى دوم، عشق (پادگان حمید): پادگان حمید در کیلومتر ۴۱ جاده اهواز- خرمشهر واقع شده است. در روزهای ابتدایی جنگ تحمیلی علی‌رغم تلاش سه‌گردان از ارتش و با ۸۳ شهید به اشغال متجاوزان درآمد. پس از گذشت ۱۹ ماه در مرحله دوم عملیات بیت‌المقدس این پادگان دوباره به دست ایران آزاد شد. اینجا سال‌های بسیاری را با شهدا زیسته و از آن‌ها روحی جاودانه گرفته است. اینجا مزار عشاق است، و زیارتگاه عشاقی که از قافله شهدا جا مانده‌اند. عطار در منطق‌الطیر خود، عشق را مهم‌ترین رکن طریقت می‌داند. این مقام را تنها انسان کامل که مراتب تکامل را پیموده است، درک می‌کند. زمانی که سالک در وادی عشق قدم می‌گذارد، وجودش



شکل ۴. پادگان حمید محل شهادت رزمندگان و استقرار یکی از یگان‌های لشکر ۹۲ زرهی اهواز و نیز مکان اسکان زائران کربلای خوزستان (مأخذ عکس: <http://padeghanamid.parsiblog.com/Posts>)

بوده که به گفته حاضران نبرد تن‌به‌تن با تانک است. در جریان این نبرد ۲۰۰ نفر به شهادت می‌رسند تا مسیر را آزاد کنند که ۵ شهید سادات هم‌زمان با یک شلیک تانک به شهادت می‌رسند. در این هرم گرما، بی‌آبی،

وادى سوم، معرفت (یادمان شهدای سادات): پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، ارتش بعث عراق در اول مرداد ۱۳۶۷ مصادف با روز عید قربان در جاده اهواز- خرمشهر پیشروی می‌کند. شدت این درگیری چنان زیاد



۶۵ کیلومتری جاده اهواز- خرمشهر قرار دارد. دلیل آنکه این نقطه به‌عنوان وادی معرفت لحاظ شده، این است که با شنیدن داستان شهادت و چگونگی از خودگذشتگی شهدای این منطقه شناخت و معرفت راهیان مسیر آغاز می‌شود.

خستگی، تنها معرفت عشق بود که بر آنان می‌تابید. معرفت و شناخت عشق در این وادی میسر می‌شود. معرفت از نور عشق به‌وجود می‌آید. معرفت اسرار هستی و رموز قرارگرفته در حجاب بر سالک نمایان می‌شود و این همان بروز حقایق برای سالک در سیر مسیر است. وادی سوم یادمان شهدای سادات است. این یادمان در



تصویر ۵. یادمان شهدای ۵ رزمنده شهید از تالاله پاک سادات در ۶۵ کیلومتری جاده اهواز- خرمشهر با شلیک مستقیم تانک متجاوز عراق (مأخذ عکس: ایسنا)

در تیرماهی گرم و سوزان از اشغال دشمن آزاد شد. در جریان این عملیات بسیاری از رزمندگان لب‌تشنه شهید شدند. چنین شهادتی چون سیدالشهدا را به چیزی جز بی‌نیازی از دنیا نمی‌توان معنا کرد و سالک باید آنچه را موجب دوری بنده از حق است از خود دور کند.

وادی چهارم، استغنا (یادمان حسینیه): یادمان حسینیه که در کنار پاسگاه زید قرار گرفته است از جمله مناطق استراتژیک در دوران دفاع مقدس بود، چراکه مهاجمان بعثی برای دستیابی به جاده اهواز- خرمشهر به این منطقه نیاز داشتند و به گارد مرزی آن‌ها تبدیل شده بود. البته در جریان «عملیات رمضان» سال ۱۳۶۱



تصویر ۶. یادمان حسینیه شهدای گمنام لب‌تشنه عملیات رمضان در منطقه پاسگاه زید در سمت راست هشتاد کیلومتری جاده اهواز- خرمشهر (مأخذ عکس: امتداد راه شهید، <http://emtedad61.ir/510>)





تصویر ۷. مسجد جامع خرمشهر در اولین عکس‌های آزادی معجزه‌آسای خرمشهر در ساعت ۷:۲۵، ۷:۳۰ صبح سوم خرداد سال ۱۳۶۱ (مأخذ عکس: سعید صادقی عکاس جنگ، ایسنا)

آبادان در حصار تجاوز و بیداد و در انتظار منجی بوده و رزمندگان اسلام منادیان رهایی بوده‌اند. مفهوم آیه «نصر من الله و فتح قریب»^{۱۴} در آبادان تجلی می‌یابد. شکست حصر از آبادان جز با نصر الهی محقق نمی‌شد که درک آن با حیرت و شگفتی همراه است. عملیات شکست حصر آبادان، یک سال پس از آغاز جنگ و ۱۱ ماه پس از محاصره آبادان توسط نیروهای عراقی به وقوع پیوست. عملیات ثامن‌الائمه با تلاش رزمندگان اسلام با وجود گرمای شدید و مقاومت سرسختانه عراق بعد از ۴۲ ساعت تلاش مداوم در ساعت یک بامداد روز پنجم مهرماه سال ۱۳۶۰ با موفقیت کامل به پایان رسید و جزیره آبادان از محاصره آنان خارج شد. نتیجه این عملیات کاملاً حیرت‌انگیز بود، چراکه در جریان این عملیات حدود دو هزار عراقی کشته و زخمی شدند، یک هزار و ۹۰۰ دستگاه تانک، نفربر، خودرو و دو پل روی کارون و چندین انبار مهمات منهدم شد و حدود یک هزار و هفتصد (۱۰۷۰۰) نفر به اسارت درآمدند. همچنین ۱۶۰ تانک و نفربر و حدود ۱۵۰ خودرو و ۳۰ دستگاه لودر و یک آتش‌بار چهار قبضه‌ای توپ، ۲۵ دستگاه تفنگ، ۱۰۶ ضد هوایی و خمپاره‌های مختلف به غنیمت درآمدند. آبادان هرگز به اشغال دشمن بعثی درنیامد.

وادی هفتم، فقر و فنا (اروند رود، یادمان والفجر ۸): منطقه اروند وادی پایانی است، کاروان‌ها در کناره رود اروند می‌ایستند و تماشاگر آب و خاک و آسمانی می‌شوند که روزی همه دنیا برای تصاحب آن کمر همت بسته بود، اما وجبی از آن را نتوانست به دست آورد. مردان غواصان شجاع این خاک که به معنای واقعی

وادی پنجم، توحید (خرمشهر): اعجاز آزادسازی خرمشهر و توفیقات الهی در آن، زائران را به تفکر عمیق در وحدانیت خدا می‌رساند. عملیات پیروزی بیت‌المقدس که به آزادسازی خرمشهر پس از ۵۷۵ روز منجر شد، تمامی معادلات و ذهنیت‌ها را در مورد قابلیت‌های نظامی ایران تغییر داد، چنانکه بسیاری از کارشناسان نظامی و تحلیلگران خارجی را شگفت‌زده کرد. فتح خرمشهر در معادلات نظامی نمی‌گنجید، بلکه آن را باید در انگیزه مردان خدا جست‌وجو کرد که دل در گرو معبود داشتند و در کوی او سر به آستان بی‌نیازی نهادند و به استعانت خدای واحد خرمشهر آزاد شد. راهیان مسیر با درک عظمت و قدرت خدای احد و واحد در طول محور وارد خرمشهر (وادی پنجم) می‌شوند. استعاره مرحله توحید از منطق الطیر عطار برای این بخش بی‌مناسبت با درک عظمت خدای واحد در آزادسازی خرمشهر در دفاع مقدس نخواهد بود. لذا می‌توان «چشم دل باز کرد و دید»^{۱۵}. در این حال راهیان نور مشاهده می‌کنند که در جهان «یکی هست و هیچ نیست جز او»^{۱۶} و بر هر چه بنگرد او را می‌بیند همه چیز مظهر جمال و جلال اوست.

وادی ششم، حیرت (آبادان): حیرت در لغت به معنی سرگردانی و سرگشتگی است، در مرحله وادی «حیرت»، در دل سالک تأمل، تفکر، حضور، حیرت و سرگردانی وارد می‌شود (اشرف‌زاده ۱۳۷۴، ۲۴۴). او را متحیر می‌سازد و در طوفان فکرت و معرفت اسرار و رموز الهی و رازهای غیبی سرگردان و غرق می‌شود. تصور خاطرات شکست حصر آبادان راهیان این مسیر را سرگشته و حیران می‌سازد. ۳۴۹ روز از محاصره می‌گذشت.



تصویر ۸. مسجد جامع خرمشهر در اولین عکس‌های آزادی معجزه‌آسای خرمشهر در ساعت ۷:۲۵، ۷:۴۰ صبح سوم خرداد سال ۱۳۶۱ (مأخذ عکس: سعید صادقی عکاس جنگ، ایسنا)

تسلیم محض اراده‌های الهی بودند و به متجاوزان تاختند چون قطره به دریا پیوستند. چون به مفهوم سیر الی الله و رسیدن قطره به دریا ایمان داشتند. پایان راه سیر الی الله، شهادت و فنا فی الله است. شهدای غواص عملیات‌های والفجر ۸ در اروندرود اسطوره‌های ایثار و فنا فی الله را برای راهیان بازدیدکننده منزل آخر این مسیر متجلی می‌کنند. طی مسیر سواحل اروند توسط جمعیت راهیان نور فرصتی است برای خلوت و تأمل در رشادت و حماسه‌آفرینی بهترین فرزندان غواص وطن که با عشق شهید شدند و به حق پیوستند. فضاهای ساحلی اروند برخلاف سایر سواحل شمالی کشور (خیرالدین و هدایتی‌فرد^{۱۵} ۲۰۱۷ الف) در انحصار هیچ قشر خاص نیست (خیرالدین و هدایتی‌فرد ۲۰۱۷ ب) و فضایی دل‌انگیز برای خلوت با معبود و عبادت و اتصال به لطف و عنایت لایزال را برای هر دل‌داده‌ای ممکن می‌سازد تا پیوستن قطره به دریا را در اتصال اروند به دریای خلیج همیشه‌فارس معنا کند.

۲-۵. سکانس‌های اصلی جریان فضایی راهیان نور محور اهواز-اروند

بر اساس تفاسیر استعاره‌ای در طی محور موزه اهواز-اروند توسط جریان جمعیتی راهیان نور کوشش می‌شود. راهکارهای عملیاتی تحقق ایده‌های فوق بیان شوند. در جدول ۱ وادی‌های هفت‌گانه در قالب سکانس‌های مختلفی از طول بر اساس عناصر شاخص کالبدی فضایی در هر سکانس دسته‌بندی شده‌اند.

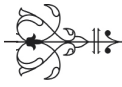
ملاحظه می‌شود برای هریک از سکانس‌ها متناسب با ویژگی‌های هویتی فضاهای مربوطه راهکارهای اولیه‌ای برای طراحی مفهومی پیشنهاد شده است که بتواند مورد بررسی و نقد بیشتر سایر محققان قرار گیرد. بدیهی است این ایده‌ها برای بازنمایی ادراک مفاهیم دفاع مقدس می‌توانند در یک فرایند طراحی دقیق‌تری در مطالعات تکمیلی دنبال شوند تا از اقدامات شتاب‌زده در این حوزه احتراز شود که دستور کار پژوهش‌های کاربردی آینده در این حوزه است.

جدول ۱. سکانس‌های اصلی محور- موزه اهواز- ارونند (استعاره از هفت شهر عشق عطار) و مفاهیم مقدماتی بازنمایی فضایی

| عنوان سکانس اصلی محور | عناصر شاخص فضایی سکانس | ویژگی‌های استعاری سکانس | مفاهیم مقدماتی بازنمایی فضایی |
|----------------------------|--|--|--|
| سکانس ۱: وادی طلب | اهواز مبدأ شروع حرکت کاروان راهیان نور، سرزمین گرما و آفتاب برای شروع مسیر پرماجرا | آمدگی برای دوری از هیاهوی و دغدغه شهر و آمدگی برای طی مسیر | طراحی فضاها با نمادهای اسلامی در جهت ایجاد روحیه معنوی در کاروان‌ها برای آغاز حرکت |
| سکانس ۲: وادی عشق | یادمان پادگان حمید و شهادت ۸۳ نفر در دفاع روزهای نخست جنگ | ایجاد روح محبت و عشق به تمام ذرات هستی | طراحی مکان‌های فروش صنایع و محصولات روستاهای محور منطقه برای ایجاد تعامل بین بازدیدکنندگان و ساکنان |
| سکانس ۳: وادی معرفت | یادمان شهدای سادات و جنگ تن‌به‌تن با تانک‌های مهاجم عراق پس از قبول قطعنامه | تلاش برای شناخت بهتر از خویشتن و دست یافتن به معرفت الهی | نصب تابلوهایی با مضامین معرفتی و خودشناسی وصیت‌نامه شهدا در طول مسیر حرکت کاروان‌ها |
| سکانس ۴: وادی استغنا | یادمان حسینیه کنار پاسگاه زید و شهدای لبتشنة عملیات رمضان تیرماه ۱۳۶۱ | ریاضتی برای تحمل سختی‌ها و افزایش قناعت و بی‌نیازی در برابر مشکلات | ایجاد مکان‌های تأمل و توقف در کنار غرفه‌های آشنایی با سبک زندگی شهدا در حرکت از وادی معرفت به استغنا |
| سکانس ۵: وادی توحید | خرمشهر و معجزه عملیات آزادی شهر | کسب معرفت | استفاده از نمادها با کمک ریتم تکرار می‌شوند و این تکرار در نظمی موجب وحدت می‌گردد |
| سکانس ۶: وادی حیرت | آبادان و شکست حصر آن | تلاش برای رسیدن به مفهوم قرب الهی | طراحی مسیر سبز برای تأکید و بازنمایی نخل‌های سربریده |
| سکانس ۷: وادی فقر و فنا | اروند رود و یادمان والفجر ۸ | رسیدن به درک از انسانیت در سایه پرتو پروردگار | مسیر دست‌نخورده و بکر، عبور کاروان‌ها از نیزارها و سواحل و نظاره حرکت مواج ارونند رود |



شکل ۹. الگوی نمادین مسیر محور- موزه اهواز- ارونند بارویکرد ایجاد تداوم و هویت در مسیر حرکت



از سکنس‌های استعاره‌ای از وادی‌های هفت‌گانه عبور می‌کنند و هفت منطقه عملیاتی دفاع مقدس در این سکنس‌ها بازدید و ادراک می‌شود. برای تقویت رابطه بازدیدکننده با سکنس‌های مختلف فضای مسیر، ایده‌هایی برای بازنمایی مؤثرتر مفاهیم مختلف براساس ویژگی‌ها و متناسب با ظرفیت‌های مسیر مطرح و صورت‌بندی شدند. رهاورد این تلاش تبیین گونه‌ای دیگر از مفاهیم موزه با ویژگی‌هایی متفاوت از موزه‌های نقطه‌ای است که به آن به‌عنوان «الگوی محور-موزه اهواز-اروند» گفته می‌شود. بر این اساس شاید بتوان عرصه جدیدی در بیان ارزش‌های معنوی و فرهنگی فضاها در مقیاس منطقه‌ای محورهای بین‌شهری مناطق مطرح کرد که کارکردی تأثیرگذار بر بازدیدکنندگان محور داشته باشد. بستر فضایی مسیر محور-موزه جنبه‌های معرفت‌شناسانه بیشتری را از ارزش‌های دفاع مقدس برای جریان جمعیتی راهیان نور روشن می‌کند. این الگو می‌تواند ظرفیتی را ایجاد کند تا از برخی الگوهای پراکنده رو و بی‌هویت و متاستاتیک در محورهای توسعه فضایی در حوزه‌های تأثیر شهرهای بزرگ مناطق کلانشهری جلوگیری کند (خیرالدین و دیگران ۲۰۱۷) و به آن‌ها انتظام ببخشد. به‌ویژه در مناطقی که از آثار و میراث جنگ و دفاع از کشور برخوردارند، مؤثرتر واقع شود، به‌ویژه محورهایی جذاب و فعال تمام‌وقت شبانه‌روز در فصل‌هایی حرکت و بازدید و زیارت راهیان نور ایجاد کند که در نسبت با فضاهای همیشه فعال و ۲۴ ساعته مرسوم (خرسند و دیگران ۲۰۲۰) می‌تواند کاملاً بدیع و متفاوت باشد. ادامه پژوهش روی ایده «محور-موزه‌های منطقه‌ای» می‌تواند مباحثی در مقیاس‌های مختلف در برنامه‌ریزی و طراحی برای توسعه فضایی این مناطق مطرح و پیش روی پژوهشگران برای ادامه و توسعه پژوهش حاضر قرار دهد.

۶. نتیجه‌گیری

بررسی مفاهیم و کارکردهای فضاهای موزه و میراث فرهنگی نشان می‌دهد که تعاملی دوسویه میان موزه و برداشت و ادراک از اثر موزه وجود دارد. برداشت مخاطب از اثر به بسترهای فرهنگی و باورهای ملی و مذهبی جامعه و نیز نوع و ویژگی‌های آثار وابسته است. تبیین نحوه نگاه به موضوع و محتوای موزه و میراث فرهنگی می‌تواند نقش مؤثری در برنامه‌ریزی برای ارتباط بیشتر با مخاطب داشته باشد. لذا تلاش شده است نگاه به مفاهیم مستتر در دفاع مقدس (به‌عنوان بسترهای فرهنگی جامعه) و در کنار مخاطب آن (کاروان‌های راهیان نور به‌عنوان مخاطب اثر) مورد بحث قرار گیرد که اصلی‌ترین مفهوم مشترک میان این دو عامل برخاسته از باورهای دینی اسلامی به میراث فرهنگی دفاع مقدس از دید بازدیدکنندگان کاروان‌های راهیان نور است.

از آنجایی که تأویل‌پذیری در اثر هنری یکی از مظاهر حکمت اسلامی در بستر باورهای دینی است پس در طرح‌ریزی محور-موزه به‌عنوان یک اثر هنری، جنبه‌های تأویل‌پذیر آن مورد توجه قرار گرفت و هفت وادی عشق عطارد یکی از عرصه‌های تأویل‌پذیری در بازنمایی مقدماتی الگوی مفهومی از محور-موزه‌های منطقه‌ای برای بازدید کاروان‌های راهیان نور مطرح شده است. یکی از اهداف مهم حضور کاروان‌های راهیان نور درک راه و هدف شهدا در وصال معشوق و کسب معرفت است که حرکت در مسیر و تجربه زیسته فرد بازدیدکننده به تحقق این نوع از احساس و ادراک محیط و فضا کمک مؤثری می‌کند و بازدیدکنندگان از محور هر کدام به سهم خود در رابطه تأثیر و تأثر ادراکی از فضا قرار می‌گیرند. جریان جمعیتی کاروان‌های راهیان نور در خلوت معرفت‌شناسانه خود در طی محور اهواز-اروند

پی‌نوشت

۱. این واژه برگرفته از کتاب پنج‌گفتار در باب تاریخ فرهنگی جنگ است.
۲. Kheyroddin
۳. Razpour
۴. Tarlow
۵. Mirzaei
۶. Moayedi
۷. نقل به مضمون از کتاب تاریخ فرهنگی جنگ

۸. بقره/ ۲۴۹
۹. Shirvani Dastgerdi
۱۰. Khorsand
۱۱. Ghaderi
۱۲. ترجیع‌بند هانف اصفهانی
۱۳. همان
۱۴. صفا/ ۱۳
۱۵. Hedayatifard

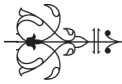


منابع

۱. ارسلان پور، امیرهادی. ۱۳۸۵. موزه و بناهای یادبود دفاع مقدس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران.
۲. بورکهارت تیتوس. ۱۳۶۵. هنر اسلامی زبان و بیان. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: سروش.
۳. _____ . ۱۳۶۹. مبانی هنر معنوی. تهران: سروش.
۴. حافظ نیا، محمدرضا. ۱۳۸۹. مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها.
۵. حجت زاده، سیده فاطمه. ۱۳۹۵. جریان زیارتی-جمعیتی راهیان نور با بررسی تأثیرات فضایی بر مناطق جنوب ورهیاقت‌های توسعه منطقه‌ای (محوراهواز-اروند). پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
۶. خاکپور، مژگان و محمد خزائی. ۱۳۸۹. وحدت و کثرت در هنر اسلامی با نگاهی به آثار پورکها. کتاب ماه هنر ۱۴۵.
۷. خداداد، مهناز و فهیمه باب الحوائجی. ۱۳۹۴. بررسی وضعیت خدمات اطلاع‌رسانی با غموزه دفاع مقدس شهر تهران. فصلنامه گنجینه اسناد ۲۵(۱)
۸. خزائی، محمد. ۱۳۸۲. مجموعه مقالات همایش هنر «نماد پردازی در هنرهای اسلامی». تهران: مرکز مطالعات هنر اسلامی.
۹. دبیری نژاد، رضا. ۱۳۹۴. موزه: ویتترین، پنجره، آینه. تهران: پازینه.
۱۰. رجبلو، علی، و فرانک جمشیدی. ۱۳۹۳. پنج گفتار در باب تاریخ فرهنگی. تهران: سوره مهر.
۱۱. زکریایی کرمانی، ایمان. ۱۳۸۵. جست و جوی هفت وادی عشق عطار در بنای خانه‌های خدا. پژوهش زبان و ادبیات فارسی ۷: ۱-۲۰.
۱۲. زنگی‌بند، نسیم. ۱۳۸۹. موزه دفاع مقدس سندج. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، قزوین.
۱۳. ساروخانی، باقر. ۱۳۹۳. روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. جلد اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۴. عطار نیشابوری، فریدالدین محمدبن ابراهیم. ۱۳۷۰. تذکره الاولیاء. تصحیح: نیکلسون. تهران: دنیای کتاب.
۱۵. غرویان، محسن. ۱۳۶۸. آموزش منطق. قم: موسسه انتشارات دارالعلم.
۱۶. نعمتی، سیده فاطمه. ۱۳۹۲. عوامل اجتماعی موثر بر تقاضای گردشگری جنگ در ایران (از نگاه بازدیدکنندگان). پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی گردشگری. دانشگاه تهران.
۱۷. نفیسی، نوشین دخت. ۱۳۸۰. موزه داری. تهران: سمت.
۱۸. واس، دی. ای. ۱۳۹۰. پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه: نایی هوشنگ نشر. تهران: نی.
۱۹. وثوقی، لیلا. ۱۳۸۸. گردشگری تلخ، با تأکید بر گردشگری جنگ. فصل‌نامه‌ی مطالعات جهانگردی ۳(۱۰): ۱۰۵-۱۲۸.
۲۰. الهی قمشه‌ای، حسین. ۱۳۷۶. نگاهی به عطار، مقالات. تهران: انتشارات روزنه.

References

1. Attar Nishapuri, Fariduddin Mohammad ibn Ibrahim. 1991. Tazkirat al-Awliya. Edited by Nicholson. Tehran: Donyaye Ketab.
2. Best, M. 2007. Norfolk Island: Thana Tourism, History and Visitor Emotions. Shima, The International Journal of Research into Island Cultures 1 (2): 30-48.
3. Burckhardt, Titus. 1986. Islamic Art: Language and Meaning. Translated by Masoud Rajabnia. Tehran: Soroush.
4. _____. 1990. The Foundations of Spiritual Art. Tehran: Soroush.
5. Central Headquarters of Rahian-e Noor. 2016. Statistical Yearbook of the Central Headquarters of Rahian-e Noor. Qom: Central Headquarters of Rahian-e Noor.
6. Dabbiri Nejad, Reza. 2015. Museum: Showcase, Window. Tehran: Ayeneh Pazhineh.
7. Elahi Ghomshei, Hossein. 1997. A Look at Attar, Articles. Tehran: Rozaneh.
8. Ersalanpour, Amirhadi. 2006. Museums and Memorial Buildings of the Sacred Defense. Master's



Dissertation. Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran.

9. Hojatzadeh, Seyedeh Fatemeh. 2016. The Pilgrimage-Population Flow of Rahian-e Noor with a Study on Spatial Impacts on Southern Regions and Regional Development Approaches (Ahvaz-Arvand Axis). Master's Dissertation Iran University of Science and Technology.
10. Hojjatzdeh, S.F.H., and R. Kheyroddin. 2015. The Effect of RahianNoor in South of Military Operation. In Report of the International Seminar of Martyrs Representation and Visibility in Urban and Architectural Spaces in Muslim Countries. 25th April. IUST, IRAN.
11. _____ . 2017. How to Reach Museum Axes Areas Instead of Spot Museum. In National Conference on the Design of Holy Defense Museum. 26th Feb.
12. _____ . 2018. Strategy for the development of war-Stricken Zones with Territorial Planning. In International Seminar and Workshop: Theoretical and Methodological Innovations in the Process of the Problematic to Research in Urbanism & Spatial Planning Studies. No. 5.
13. Khakpour, Mozghan, and Mohammad Khazaei. 2010. Unity and Diversity in Islamic Art with a Look at Burckhardt's Works. *Ketab-e Mah-e Honar* (145): 16-27.
14. Khazaei, Mohammad. 2003. Collection of Articles from the Symposium on Representation in Islamic Arts. Tehran: Islamic Art Studies Center.
15. Kheyroddin, R., and M. Ghaderi. 2020. New Towns as Deconcentration or Another Concentration in the Metropolis: Evidence from Parand New Town in the Tehran Metropolitan Area. *International Journal of Urban Sciences* 24 (1): 69-87.
16. Kheyroddin, R., and M. Hedayatifard. 2017 a. Social Segregation to Exclusive Public Shoreline Access: Coastal Gated Communities on the Middle Shoreline of the Caspian Sea in Northern Iran. *Journal of Urban Planning and Development* 143 (3): 05017006.
17. _____ . 2017 b. The Production of Exclusive Spaces in Coastal Pre-Urban Areas: Causes and Motivations: Middle Shoreline of Caspian Sea in North of Iran. *Journal of Coastal Conservation* 21(3): 333-341.
18. Kheyroddin, R., and M. Razpour. 2016. Informal Economy and Urban Spatial Changes in the Border Town Baneh. A Case Study from the Iranian- Iraqi border. *International Journal of Contemporary Economics & Administrative Sciences* 6 (1): 66-86.
19. Kheyroddin, R., R. Piroozi, and A. Soleimani. 2017. Metastatic Spread of Luxury Second Homes in Rural Areas: a New Type of Spatial Development in the Tehran Metropolitan Region: A Study of Damavand County, Iran. *Journal of Architectural and Planning Research* 34 (1): 71-88.
20. Khodadad, Mahnaz, and Fahimeh Bab-al-Havajei. 2015. Evaluation of Information Services in the Tehran Holy Defense Garden-Museum. *Ganjineh-ye Asnad* 25 (1): 114.
21. Khorsand, R., M. Alalhesabi, and R. Kheyroddin. 2020. Redefining the Concept of the 24-Hour City and City Nightlife for Holy Cities, with the Use of Islamic Instructions: A Case Study of the Holy City of Karbala. *IOP Conference Series: Materials Science and Engineering* 671 (1): 012116.
22. Khorsand, R., R. Kheyroddin, and M. Alalhesabi. 2021. City Nightlife from Islamic Viewpoints: Inference of Native Pattern of 24-Hour City and City Nightlife in Accordance with the Islamic Lifestyle. *Researches in Islamic Architecture* 8 (4): 13-36.
23. Lennon, J., and F. Malcolm. 2000. *Dark Tourism: The Attraction of Death and Disaster*. London and New York: Continuum.
24. Mirzaei, E., R. Kheyroddin, and D. Mignot. 2021. Exploring the Effect of the Built Environment, Weather Condition and Departure Time of Travel on Mode Choice Decision for Different Travel Purposes: Evidence from Isfahan, Iran. *Case Studies on Transport Policy* 9 (4): 1419-1430.
25. Moayedi, M., R. Kheyroddin, and I. Shieh. 2019. Determining the Role of Pedestrian-Orientation, Concerning the Public Places: Improvement of Urban Social Capital Quality. *Civil Engineering* 5(4): 901-912.
26. Nafisi, Noshindokht. 2001. *Museology*. Tehran: SAMT.
27. Nemati, Seyedeh Fatemeh. 2013. Social Factors Influencing the Demand for War Tourism in Iran (From the Perspective of Visitors). Master's Dissertation. Tourism Planning, University of Tehran.
28. Rajabloo, Ali, and Farank Jamshidi. 2014. *Five Discourses on Cultural History*. Tehran: Sooreye Mehr.
29. Rayan, Ch. 2007. *Battlefield Tourism: History, Place and Interpretation*. Oxford: Elsevier.
30. Shirvani Dastgerdi, A., and R. Kheyroddin. 2022. Policy Recommendations for Integrating Resilience into



the Management of Cultural Landscapes. Sustainability 14 (14): 8500.

31. Slad, P. 2003. Gallipoli Thana Tourisme: the Meaning of ANZAC. Annals of Tourism Research.
32. Thiel, D.-T. 2009. Segmenting Visitors to Battlefield Sites–International Visitors to the Fulmar DMZ in Vietnam. Victoria University of Wellington.
33. Vosoughi, Leyla. 2009. Dark Tourism (With Focus on War Tourism). Tourism Studies 3 (10): 105-128.
34. Yuill, S. M. 2003. Dark Tourism: Understanding Visitor Motivation at Sites of Death and Disaster. Texas: A & M University.
35. Zakeri Kermani, Iman. 2006. The Search for Attar's Seven Valleys of Love in the Architecture of the Houses of God. Persian Language and Literature Research (7): 20.
36. Zangiband, Nasim. 2010. The Sacred Defense Museum of Sanandaj. Master's Dissertation. Islamic Azad University, Qazvin Branch, Qazvin.
37. <http://emtedad61.ir/303> [accessed at 28/12/2023].





Regional Pattern of Representation for Cultural Heritage of the Holy Defense (Iran-Iraq War)

Reza Kheyroddin

Email: reza_kheyroddin@iust.ac.ir (Corresponding Author)

Associate Professor, Department of Urban Planning, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

Fatemeh Hojatzadeh

Master in Urbanism, Department of Urban Planning, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

Received: 1402/03/09

Accepted: 1402/12/28

Abstract

The establishment of war museums is a common thing in most countries involved in war. These countries are trying to preserve and transfer these heritages to the next generations by displaying the tools and spaces left over from the war. The main goals of these museums are to commemorate the dead and victims of war, to praise peace and to learn from the evil effects of war. The design of war museums is different according to the attitude towards war, identity and culture of each society. Therefore, one of the goals of this research is to take a new look at the concept and model of the war museum and its artifacts in Iran, considering the way of looking at the Iran-Iraq war (Holy Defense).

Various previous researches show that the influence of religious teachings in the society was not only effective in the formation of the identity of the people present in the war, but also in the actions and attitudes of the visitors. In this regard, an effort has been made to define the new concept of "Regional Axial Museum in Regional Scale" in the light of the potential capacities of the cultural heritage of the society on one hand and the presence of a new type of visitors to war zones (Caravans of Rahian Noor) on the other hand.

In the new definition of the AMRS (Axial Museum in Regional Scale) some concepts of original literature should be used metaphorically to represent the concepts of works and heritage of holy defense, such as excellence, the spirit of sacrifice, and reaching closeness to God, which is quite a difficult and controversial endeavor. To crystallize the idea of the AMRS, a part of the road from Ahvaz region to Arvand in the border of Persian Gulf has been selected. Then, by arranging and sequencing the relevant path according to physical spatial features, as well as paying attention to war events related to different parts and nodes located on the path, the spatial values of the path should be represented and displayed for the visitors and groups of pilgrims in Rahian-Noor Caravans.

The stages of representing the relics and events of the Iran-Iraq war era in the studied route are explained with a brief escape to the metaphors of Attar's Seven Climates of Love in



different sequences to strengthen the spatial perception of Ahvaz to Arvand Axial Museum on a regional scale. The sequencing of the path related to the study of the Ahvaz-Arvand axis brings the development of the sacred defense museums from the idea phase to the realized phase, which is more original than the conventional and formatted forms of war museums in Iran and the world. The development and completion of this regional pattern in more operational scales such as planning and urban design and architectural scale can be the stages of expansion of this pattern.

Keywords: Tourism and Museum of War, Cultural Heritage of Holy Defense, Iran-Iraq War, Rahian-Noor Caravans, AMRS(Axial Museum in Regional Scale).

